

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم يك فقره لایحه قانونی از طرف آقای وزیر دادگستری
- ۳ - مذاکره در طرح قانونی راجع بنظار بانک و درخواست فوریت آن و انتخاب دو نفر نماینده برای نظارت در ذخیره اسکناس
- ۴ - بقیه شور دوم ماده ۱۹ لایحه املاك واگذاری
- ۵ - اظهارات آقای رئیس راجع بعدم حصول نتیجه نسبت بانقلاب
- نظار بانک و تجدید انتخاب
- ۶ - بقیه مذاکره در ماده ۱۹ لایحه املاك واگذاری
- ۷ - اعلام نتیجه انتخاب نظار بانک
- ۸ - بقیه مذاکره در ماده ۱۹ لایحه املاك واگذاری
- ۹ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای حسن اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز ۲۹ اردی بهشت ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد .

۲ - تقدیم يك فقره لایحه قانونی از طرف آقای وزیر دادگستری

وزیر دادگستری - خاطر آقایان مسبوق است راجع به املاکی که به ثبت داده میشود مطابق ماده دوازده قانون ثبت بعضی از آنها که تقاضای ثبت اسبب آنها شده پس از

انقضای مدت معینی آنها مجهول المالک اعلان میشود در قانون هم ذکر شده که اگر تامت ده سال تقاضای سند مالکیت داده نشد آوقت باید دادستان بعنوان دوات تقاضای ثبت بکند و عرض کنم این جا برای اینکه هم کمکی به مردم شده باشد و هم اشکالاتی که ممکن است برای مردم ایجاد شده باشد رفع شود يك نظری اتخاذ شده است در این مورد که ماده دوازده قانون ثبت اصلاح بشود يك فرجه ای داده

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح پنجاه و هفتمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره کنند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه - آقای فاطمی

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر ضیاء - گودرز نیا - ناصری - شجاع - اکبر - مهدی - دکتر ادهم - دبستانی - آصف

صادق وزیری - گرگانی - نصرتیان - هراز

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : تولیت - سزاوار - موثر

شود. در این خصوص لایحه‌ای تهیه شده و تقدیم مجلس میشود. (صحیح است)

۳- مذاکره در طرح قانونی راجع بنظر بانک و انتخاب دو نفر نماینده جهت نظارت در ذخیره اسکناس

رئیس - شروع میشود با انتخاب دو نفر نظار برای اسکناس قبلاً پنج نفر نظار اقترح میشود

صفوی - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

صفوی - عرض کنم که راجع با انتخاب دو نفر برای نظارت در پشتوانه اسکناس که مطابق ماده مهم قانون مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ تعیین شده است و پنج نفر هم از طرف دولت در آن قانون معین شده است یعنی مذاکرات که دو نفر از طرف مجلس شورای ملی و پنج نفر از طرف دولت انتخاب شود و اینها بایستی ماهی یکمرتبه در بانک ملی ایران حاضر شوند و در پشتوانه اسکناس نظارت داشته باشند و با اطلاع و استحضار عامه برسانند دیروز در جلسه خصوصی مذاکرات زیادی شد از نظر اهمیتی که پشتوانه اسکناس دارد این موضوع از چندی باینطرف مورد توجه افکار عمومی آقایان نمایندگان و عامه مردم شده است و علاقه مند هستند باینکه موضوع پشتوانه اسکناس را بدانند و نظارت داشته باشند و توجه بیشتری باین موضوع شده باشد و چند وقت پیش هم يك حرفهائی در این موضوع در اواسط شهریور زده شد و از نظر اهمیت موضوع مجلس شورای ملی يك عده را انتخاب فرمودند رفتند بجواهرات و ذخیره اسکناس رسیدگی کردند و موضوع را راپرت دادند به مجلس شورای ملی این موضوع خیلی مورد توجه افکار عمومی است و غالباً در جوابد و در خارج هم مذاکرات زیاد میشود و مخصوصاً وقتی لایحه چاپ هفتاد میلیون اسکناس در مجلس شورای ملی مطرح شد باین موضوع بیشتر توجه شد و افکار عمومی اگران بود از اینکه شاید پشتوانه اسکناس بعد از چاپ هفتاد میلیون اسکناس تنزل خواهد کرد و میزان پشتوانه کمتر خواهد شد در صورتیکه اینطور نبود و بطوری که بنده اطلاع دارم از آن هفتاد میلیون تومانی که مجلس شورای ملی رأی داد

ماده ۹ - برای نظارت در ذخیره هیئت مخصوص مرکب از ده نفر بشرح زیر از طرف مجلس شورای ملی ۵ نفر از طرف هیئت وزیران يك نفر رئیس دیوان کیفر و رئیس بانک ملی خزانه دار کل بازرس دولت در بانک ملی مأموریت خواهند داشت که ماهی يك مرتبه بوضعیت حساب ذخیره مذکور رسیدگی کرده و گزارشنی که حاکی از مبلغ اسکناس های در جریان و مسکوکات طلا و نقره و نیکل و شمش های طلا و نقره و اسماعل موجوده تهیه و تنظیم نموده بدولت بدهند. گزارش های مزبور از طرف دولت برای اطلاع عامه منتشر خواهد شد مدت مأموریت پنج نفر نمایندگان مجلس شورای ملی و هیئت وزیران در اردی بهشت هر سال و اگر در آن موقع مجلس دایر نباشد در اولین جلسه مجلس شورای ملی که رسمی میشود انتخاب خواهد شد

تبصره - این هیئت اعم از نمایندگان برگزیده از طرف مجلس شورای ملی و دولت این وظیفه را افتخاری انجام داده و بهیچگونه عنوانی حقى بآنها پراخته نخواهد شد. صفوی د کتر ملک زاده، دشتی، روحی، اصفهانیان، نبیل سمیعی و عده‌ای دیگر قریب سی و چهار امضاء

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - فوریت راجع به مواردی است که قضیه نباید به کمیسیون برود و نظایرش يك قانونی پیشنهاد شد برای اینکه در موضوعی که باید برود یکی از کمیسیونهای که گاه چون فوریت داشت ورود این صحیح است ولی جاهایی که باید برود به کمیسیون مبتکرات بمقتضای بنده آنجا فوریت را نمیشود اجرا کرد ولی بعد از آنکه رفت بکمیسیون مبتکرات و کمیسیون موافقت کرد آنوقت میآید به مجلس آنوقت ممکن است مجلس آنرا فوری بداند و به کمیسیون نرستد و الا اینجا فوریت ندارد این طرح

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - بنده موافقم و مخالفت هم شد دیروز در جلسه خصوصی ملاحظه فرمودند که این قضیه مطرح شد و صحبت کردیم البته این يك وظیفه جدی و عمومی است و بنده

نظری هم که داشتم و خیال میکردم در لایحه تأیید شده است موضوع هیئت نظارت است که منظور شده است و خیال میکنم که بسیار طرح خوبی است یعنی باب ضررش مسدود است و ممکن است که دارای فوائد و منافعی هم باشد در امور هر قدر نظارت را تقویت بکنیم و هر قدر دقت بیشتر بشود بنظر من نتیجه بهتر حاصل میشود. مسئله بانک و پشتوانه اسکناس و ذخایر ملی از مسائل مهم و مورد توجه عموم مردم است دیروز صحبت شد مخالفتی هم ابراز شد از طرف آقایان چه ضرر دارد بجای دو نفر پنج نفر باشد گفته شد که دارای يك محاسن هم هست و ممکن است دو نفر گاهی یکی شان کسالت داشته باشد نتواند حاضر شود در جلسات ولی وقتیکه پنج نفر باشد حتماً سه نفر با چهار نفرشان همیشه حاضر خواهند بود بعلاوه عده بیشتر از دو نفر آقایان داو طلب انجام این خدمت افتخاری بوده اند این طرح آن منظور را هم تأمین میکند و بنظر بنده صحبت زیادی ندارد آقایان موافقت میفرمایند که بخوانده شود و رأی گرفته شود

رئیس - آقای فرمانفرمائیان مخالف هستید بفرمائید

فرمانفرمائیان - بنده اصولاً مخالف هستم و مخصوصاً البته برای اینکه فوریت تصویب شود هر کس دلیلی را در نظر میگیرد چه از طرف دولت پیشنهاد شود چه از طرف نمایندگان مجلس را تحت يك تأییدی وارد میکند که فوریت و ضرورت دارد یکی از آقایان نمایندگان محترم در ضمن بیانات خودشان فرمودند از نقطه نظر اطمینان و علاقه‌ای که مردم به پشتوانه اسکناس و نشر اسکناس و این مسائل دارند البته این مسلم است و قابل تردید نیست ولی بنده امیدام که چه تأثیری خواهد کرد اگر بجای دو نفر پنج نفر انتخاب بشود و نظارت بکنند؟ بنده تصور میکنم برای این است که تصور میشود این سهل طرق است و برای اینکه موضوعی که مورد اختلاف واقع شود بگویند عوض دو نفر پنج نفر ممکن است باشند و در آتیه هم ممکن است داو طلب زیاد بشود بگویند عوض پنج نفر ده نفر باشد این البته ضرری ندارد و بنده هم عرض میکنم ضرر دارد ممکن است تمام مجلس و اشخاص دیگر هم

نظارت بکنند ولی آن قانونی که برای این کار آمده است اگر يك من زر زیادتر بشود البته در ملت تأثیرش زیادتر میشود که پانزده نفر از ما ها اینجا نظارت کنیم از این نظر بنده با فوریت مخالف هستم و با این اصل هم کاملاً مخالف هستم که برای اینکه اسهل طرق انتخاب بشود باید يك قانونی را برهم زنند و يك قانون جدیدی را وضع کنند البته اگر مورد مهم و ضروری بود بنده هم موافقت می‌کردم ولی همه تشخیص می‌دهند که مورد از موارد ضروری نیست و برای اقتضای مورد نیست که ما این را پیشنهاد می‌کنیم و برای این است که توافق حاصل کنند برای انتخاب دو نفر که عوض آن پنج نفر انتخاب کنیم چون پنج نفر داوطلب هست این همینطور ممکن است دور تسلسل پیدا کند و بنده مخالف هستم

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - عرض کنم اولاً راجع به فوریت گفته شد و دلایل فوریت اینست که نظر باینکه امروز ۳۱ اردیبهشت است و مطابق قانون در اردیبهشت ماه باید انتخاب ایندو نفر یا پنج نفر انجام بشود باین جهت تقاضای فوریت شده است برای اینکه مجالی نداریم که بکمیسسیون مبتکرات بروم و بعد از انجام این تشریفات این طرح تصویب بشود و تقاضای فوریت هم مطابق نظامنامه اشکال ندارد ماده ۷۴ این حق را به مجلس شورای ملی میدهد که در مواقعی که طرحی پیشنهاد میشود ممکن است تقاضای دو فوریت کرد که در مجلس مطرح بشود و بکمیسسیون برود. اما در اصل مطلب بعقیده بنده مطلب پشتوانه اسکناس يك موضوعی است که هر قدر بیشتر اشخاص برای نظارت باشند خوبی آن محرز است زیرا چیزی است که طرف توجه عامه کشور ایران است البته آن دو نفر آقایانی که بودند بنده اینجا صریحاً عرض می‌کنم اشخاص خیلی طرف اعتماد مجلس شورای ملی بوده اند و در نهایت خوبی و ظایف خودشان را انجام داده اند و انتخاب پنج نفر یا افزایش سه نفر دیگر دلیل عدم اعتماد بآن دو نفر نیست بلکه مجلس شورای ملی در این موضوع میخواهد نشان بدهد برای اینکه افکار عامه بیشتر راحت باشد پنج نفر برای

پشتوانه اسکناس انتخاب بکنند زیرا مجلس و نمایندگان بیشتر طرف اعتماد و اطمینان جامعه هستند بنظر بنده نظارت پنج نفر خیلی مفید است بلکه همینطور که گفته شد ضرری هم ندارد بنده عرض می‌کنم البته منفعت هم دارد نه تنها ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد زیرا اگر چنانچه يك هیئت پنج نفری در يك موقع بکنند دو نفر آنها مرخص شدند ممکن است با چهار نفر کار را انجام کنند و موضوع بیشتر طرف دقت و توجه واقع شود خصوصاً اینکه اینها حقوق هم ندارند کارمندی هم ندارند و آطورى هم که آقای طباطبائی فرمودند رفع توهم می‌کند که اشخاص اگر داوطلب هستند فقط اشخاصی هستند که از نظر وظیفه می‌روند آنجا کار می‌کنند و این خیال می‌کنم چیز بی ضرری است و استدعا می‌کنم آقایان موافقت بفرمایند رأی داده شود.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده از آقایانی که امضا کرده اند تقاضی می‌کنم که این طرح را موافقت بکنند بکمیسسیون مبتکرات بروم (بعضی از نمایندگان - وقت می‌گذرد) آقا بگذارید من صحبت کنم بعد بگوئید باطل است آقا. معمول این کار مطابق قانون اساسی و نظامنامه این است که برود بکمیسسیون مبتکرات آقا وزیر مالیه هم مسئول است چرا این حرف را می‌زنید وزیر مالیه که مسئول این کار است باید در کمیسسیون مبتکرات بیاید و نظر او را هم کمیسسیون اخذ کند. همینطور باید در مجلس رأی بگیریم آخر این فوریت برای چیست؟ بنده با نهایت تصریح استدعا می‌کنم مطابق مدلول نظامنامه و قانون اساسی يك طرحی که راجع به یکی از وزراء باشد باید آن وزیر را خبر داد بنده تقاضی می‌کنم مطابق اصول مسلمه ای که همیشه در این مجلس بوده است و از حاصل نظامنامه و قانون اساسی استفاده میشود تقاضا کنند برود بکمیسسیون مبتکرات وزیر می‌آید در آنجا و بعد از آنجا بیاید به مجلس شورای ملی مطرح شود این است عرض بنده و بنده قبل از رفتن بکمیسسیون مبتکرات مخالف هستم

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

رئیس - موافقین با کفایت مذاکرات برخیزند ...
روحی - کسی با کفایت مذاکرات مخالف نیست.
اورنگ - بفوریت رأی بگیرید

رئیس - اول باید بکفایت مذاکرات رأی گرفته شود بعد بفوریت. موافقین با کفایت مذاکرات برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. رأی گرفته میشود بفوریت اول آقایان موافقین برخیزند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد. پس رجوع می‌شود به کمیسسیون مبتکرات آقایان ثابت.

ثابت - استدعا می‌کنم توجه بفرمایند اول اردیبهشت باید این دو نفر انتخاب شوند حالا روز آخر اردیبهشت است حالا خوب است آقایان موافقت بفرمایند همین دو نفر فعلاً انتخاب شوند اگر طرح تصویب شد مطابق آن عمل میشود (صحیح است)

رئیس - اگر آقایان موافقت می‌فرمایند شروع کنیم با انتخاب دو نفر (صحیح است) بدو پنج نفر بقرعه برای نظارت در استخراج معین میشوند.

طباطبائی - اجازه می‌فرمائید. بنده يك عرض کوچکی دارم. طبق مذاکراتی که در جلسه خصوصی شد خدمت آقایانی که انتخاب میشوند برای این کار خدمت رسمی نخواهد بود و دارای دستمزد نمی‌باشند و این خدمت افتخاری است.

(اقتراح بعمل آمده آقایان: فرخ - پارسا - صفاری

لاریجانی - مؤید ثابته معین شدند)

رئیس - شروع میشود با انتخاب دو نفر نظار بانك آقایان رأی خودشان را اظهار خواهند نمود.

(اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - آقایانیکه بقرعه معین شده اند آقایان: فرخ پارسا - صفاری - لاریجانی - مؤید ثابته با اتفاق آقای بیل سمیعی استخراج می‌کنند که انشاء الله امروز نتیجه اش بمرض آقایان برسد.

[۴ - بقرعه شور دوم ماده ۱۹ لایحه املاک و اگذاری]

رئیس - شروع میشود بشور دوم لایحه املاک و اگذاری

گزارش کمیسسیون راجع بماده ۱۹ خوانده میشود.

ماده ۱۹ - قانون املاک و اگذاری و تبصره های آن که بموجب رأی مجلس شورای ملی مورد توجه قرار گرفته و بکمیسسیون ارجاع شده بود در کمیسسیون دادگستری با حضور آقای وزیر دادگستری مطرح و مورد رسیدگی قرار گرفت پس از مذاکرات مفصل منظور آقایان نمایندگان محترم در تلو چند فقره پیشنهاد طای تبصره های زیر تأمین و با اصلاحات عبارتی و بعضی اصلاحات دیگر ماده ۱۹ و تبصره های آن بشرح زیر تصویب و گزارش آن بمرض میرسد ضمناً تبصره که در مورد املاک مقصوبه در ماده ۲۶ پیشنهاد و قابل توجه شده بود بماده ۱۹ الحاق و مورد تصویب واقع گردید و بنابر این ماده ۲۶ بهمان صورتی که در جلسه اصلاح شده باقی میماند.

ماده ۱۹ - در مواردی که بموجب حکم قطعی این هیئت ها ملك بتصرف شاکی داده میشود هر گاه قبل از تصرف اعلیه حضرت شاه سابق سند مالکیت بنام شاکی یا ایادی قبل از او صادر شده باشد و با جریان ثبت بنام شاکی یا ایادی قبل از او پایان یافته و مدت اعتراض آن گذشته باشد ملك مطابق مقررات ثبت بنام صاحب حق در دفتر املاک ثبت خواهد شد و سند مالکیت اعلیه حضرت شاه سابق باطل میشود و در غیر ایندو صورت چنانچه سند مالکیتی بنام اعلیه حضرت شاه سابق صادر شده باشد ابطال و کسیکه حکم این هیئت برفع او صادر شده است طبق مقررات درخواست ثبت خواهد نمود و مطابق قواعد عمومی با او رفتار خواهد شد - بدون درخواست ثبت نیز اشخاص میتوانند اگر حقی بر یکدیگر داشته باشند نسبت باین املاک یا وجهی که دولت در عوض این املاک پرداخته است در دادگاهها طبق مقررات عمومی اقامه دعوی نمایند.

تبصره ۱ - هر گونه نقل و انتقال و هر قسم قرار دادی که بطور ثباتی و بضرر صاحبان املاک از تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۲۰ تا تاریخ صدور رأی نهائی اعم از رسمی و غیر رسمی بهر عنوان راجع باین املاک انجام شده باشد از درجه اعتبار ساقط است دادگاهها و هیئت های رسیدگی بآنها ترتیب اثر

باید بدهند ولی حق الوکاله یا کارمزد مطابق تعرفه وزارت دادگستری مشمول این قسمت نخواهد بود.

تبصره ۲ - قرار سقوطهاییکه در خلال دادرسی راجع باملاکی که به تصرف پادشاه سابق درآمده صادر گردیده از تاریخ اجرای این قانون تا ۲۰ روز قابل پژوهش و فرجام است و بهر حال جریان کار در دادگاههای عمومی تعقیب میشود.

تبصره ۳ - هیئت رسیدگی در مورد املاک غصب شده مذکور در بند الف ماده ۱۴ ضمن صدور حکم برد عین ملک نسبت به پرداخت عوائد و محصول ملک نیز از تاریخ تقدیم دادخواست تا روز اجراء حکم رأی خواهد داد.

رئیس - آقای طهرانیچی.

طهرانیچی - عرض بنده راجع به تبصره ۱ این ماده است در تبصره که در جلسه گذشته پیشنهاد شد و مورد قبول دولت هم واقع شد در آن جمله تبابی ذکر نشده بود این جا آمده اند گفته اند هر نوع قراردادی که بطور تبابی شده باشد آنها را باطل دانستند در صورتیکه مطابق سایر قوانینی که ما داریم هر نوع معامله ای که با تبابی باشد یا قرار دادهایی که با تبابی منعقد شود بر علیه شخص ثالث مطابق قانون باطل است. آقایانی که این پیشنهاد را تقدیم کردند منظورشان این بود که هر نوع معامله و صلحی و قراردادی که از شهر یور منعقد شده (آنها برای يك مدت موقتی است تا میدانی که اشخاص نمیدانستند صاحب ملک هستند) یعنی اگر اشخاصی آمده اند و يك قرار دادهایی گرفته باشند یا يك انتقالهایی گرفته باشند و آنها نداشته داده اند چون خودشان را مالک نمیدانستند و ما خواستیم که آن اسناد را باطل کنیم که بر علیه آن اشخاصی که نداشته آمده اند يك قراردادهایی کرده اند سندی نباشد و کسی از ندانستن آنها سوء استفاده نکنند اگر ما این را مقید به تبابی و چیز دیگری نکنیم آن منظور حاصل نمیشود و باز هم بر علیه آن اشخاصی که نداشته و نفهمیده قراردادی داده اند تمام میشود اشخاصی که سوء نیت دارند بملغ آنها تمام خواهد شد در صورتیکه نظر این بود که سوء استفاده نشود (اعتبار - صحیح است) این است که

يك پیشنهادی است باز با معاضد جمعی از آقایان راجع باصلاح این تبصره که جمله (بطور تبابی و بضرر صاحبان آنها) بر داشته شده و مطابق قرار داد هائی که شده تا صدور رأی نهائی باطل است. قسمت دیگر عرض بنده راجع به آن تبصره ای بود که مورد توجه مجلس واقع شد و در اینجا نیست راجع بآن تبصره هم در مجلس و هم در خارج مجلس شورای ملی می شنیدم بعضی ها میگفتند این موهن است برای آقایان نمایندگان در صورتیکه بمقیده بنده بر عکس است موهن نیست و بر تشخیص آنها می افزاید (صحیح است) بعضی اشخاص میگفتند خیر ترتیب اثر نباید داد بگفته های مردم چرا نباید داده شود؟ مجلس شورای ملی باید ترتیب اثر بدهد به گفته های مردم بعضی اشخاص اظهار میداشتند که این مطلب به شئون آقایانی که در مجلس سمت و کالت دادگستری هم دادند بر می خورد در صورتیکه ما میخواهیم به شئون آنها بیفزاییم و ثابت کنیم که آنها نظری نداشته اند و اینها و اینها که شهرت داشته است نیست و هیچیک از آقایان نمایندگان نظری نداشته اند و این نظر به نفع آنها و حفظ شئون آنها است و بمقیده بنده برای مجلس شورای ملی و نمایندگان مجلس علاوه بر اینکه بهیچوجه موهن نیست بلکه بر عکس خیلی بر اهمیت آنها می افزاید و خلوص نیت آنها را ثابت میکند که آنها هیچ قصدی ندارند فقط منظورشان این است که حق به من له الحق برسد و پیشنهادی هم در این موضوع بعضی از آقایان کرده اند و تقدیم خواهند کرد و تصور میکنم اگر تصویب شود بهتر است.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - گرچه در مجلس يك اقلیتی هست و يك اکثریتی و بنده جزء هیچ کدام نیستم ولی فکر خوب وقتی که از طرف یکی از این دو دسته گفته میشود و بنده وقتی با نظر خودم می بینم اصولاً صحیح است با آن موافقت میکنم و اتفاقاً در این ماده ۱۹ چند فقره پیشنهاد از طرف آقایان شده است که بنده صد درصد می بینم هم منطقی است و هم رفیع بعضی اشکالات را میکند و هم جلوگیری از يك سوء

استفاده های احتمالی را خواهد کرد راجع به تبصره يك این ماده بمقیده بنده اشکالی دارد و بنده لازم دانستم که توضیحاتی عرض کنم آقای وزیر دادگستری هم به این مطالبی که لازم است و عرض میشود توجه خواهند فرمود. موضوعی را که آقای طهرانیچی فرمودند راجع به تبابی بنده میخواهم بمقتدری بیشتر توضیح بدهم تا معلوم شود که این جمله که نوشته شده (هر قسم قراردادی که به تبابی انجام شده باشد از درجه اعتبار ساقط است) بدون این تبصره هم قانون مجازات عمومی ما همین را معین کرده است یعنی اگر دو نفر با یکدیگر تبابی کنند بر ضرر دیگری مطابق قانون مجازات عمومی این عمل قابل تعبیر به کلاهبرداری و موضوعات دیگری است که قابل تعقیب است و احتیاج به قانون مخصوص ندارد و آن جا که احتیاج به قانون مخصوصی دارد این است که يك کسی ممکن است با انتظار و امید این قانونی که در مجلس شورای ملی مطرح است بیاورد یا بعضی اشخاص قراردادهایی به بنده که متضرر شود البته اگر قانونی فعلاً آنرا منع نکند يك قرار دادی نیست که بسته است بضرر بخودش و بنده عقیده ام این است همینقدر که این جا نوشته شده است بطور تبابی و بضرر صاحبان املاک کافی است و آقایانی که میفرمایند این جمله (بضرر صاحبان املاک) برداشته شود این لزومی ندارد برای اینکه حقیقه يك قراردادی شد ولی بضرر صاحبان املاک نبود ضرری ندارد وقتی که تبابی شد و بضرر صاحبان املاک هم نبود عیب ندارد چون منظوری که هست که کسی از این عمل سوء استفاده نکنند و منتهی بضرر صاحبان این املاک نشود اما ایرادی که این تبصره دارد و بنظر بنده ایراد عمده ایست این است که مینویسد قراردادهایی که اول شهریور ماه تا صدور حکم نهائی. وقتی که این قانون گذشت وضعیت صاحبان این املاک مثل سایر افراد کشور است یعنی همانطور که سایر افراد کشور راجع به حقوق خودشان میتوانند هر گونه قرار دادی بکنند آنها هم آزاد باشند هر وقت که منافع خودشان را تشخیص دادند حق را که برای خودشان تصور میکنند بروند يك معامله و صلحی راجع بآن حقوق

بکنند و ما نباید جلو گیری کنیم بموجب این تبصره از اینکه حقوق فرضیه ای که او دارد برود نسبت بآن يك معاملات و صلحی بکنند نمیتوانیم جلو گیری از حقوق او بکنیم ولی این جا نوشته است از تاریخ اول شهریور تا صدور رأی نهائی و بنده در پیشنهاد خودم نوشته ام از تاریخ اول شهریور تا تاریخ تصویب این قانون هر گونه قراردادی که بضرر صاحبان املاک شده باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود علتش هم این است که بمقیده بنده اگر يك چنین قراردادهایی هم شده باشد در این مدتی که بنده عرض کردم اعتبار داده شود برای اینکه آقایان میدانند از شهریور تا امروز وضعیت املاک و گذاری روشن نبوده و بهمهم بوده است و صاحبان سابق این املاک امید داشتند که وضعیت املاکشان و حقوقشان در دادگاهها چه جور خواهد بود (طهرانیچی - بعد از این هم روشن نخواهد بود) حالا اگر در يك موضوعی يك کسی بیاورد قراردادی به بنده تا قانون تصویب نشده است روی يك قانون مجهولی است نه موکل میداند که قانون چه جور وضعیت او را حل خواهد کرد و نه وکیل میداند که بالاخره روی چه قانونی میتواند باو کمک کند ولی وقتی که قانون گذشت دیگر وضعیت عمل روشن خواهد بود از همین جهت بنده این قسمت را با این اصلاح مفید میدانم، اما قسمت دیگری که بنده در پیشنهاد خودم قید کرده ام این است که در آخر این ماده مینویسد: ولی حق الوکاله یا کارمزد مطابق تعرفه وزارت دادگستری مشمول این قسمت نخواهد بود. بنده این را درست نفهمیدم یعنی میگویند این قراردادهایی اثر است ولی اگر کسی کار باطلی کرده میتواند حق الوکاله بگیرد؟ اینجا مینویسد حق الوکاله یا کارمزد اولاً در تعرفه وزارت نیست تعرفه وزارت منحصراً بجمع بحق الوکاله است و بعلاوه اگر قراردادی که شده است باطل است و مقید کنیم که کارمزد و حق الوکاله را بدهد این را بنده معتقد نیستم وقتی که ما کلیه قراردادهای را تا امروز بی اعتبار دانستیم باید این قسمت آخر را بکلی حذف کرد و حق الوکاله و کارمزد هم مشمول عنوان تبصره يك است وقتی که این تبصره يك عملی شد

باید بدهند ولی حق الوکاله یا کارمزد مطابق تعرفه وزارت دادگستری مشمول این قسمت نخواهد بود.

تبصره ۲ - قرار سقوطهاییکه در خلال دادرسی راجع باملاکی که به تصرف پادشاه سابق درآمده صادر گردیده از تاریخ اجرای این قانون تا ۲۰ روز قابل پژوهش و فرجام است و بهر حال جریان کار در دادگاههای عمومی تعقیب میشود.

تبصره ۳ - هیئت رسیدگی در مورد املاک غصب شده مذکور در بند الف ماده ۱۴ ضمن صدور حکم برد عین ملک نسبت به پرداخت عوائد و محصول ملک نیز از تاریخ تقدیم دادخواست تا روز اجرای حکم رأی خواهد داد.

رئیس - آقای طهرانچی.

طهرانچی - عرض بنده راجع به تبصره ۱ این ماده است در تبصره که در جلسه گذشته پیشنهاد شد و مورد قبول دولت هم واقع شد در آن جمله تبانی ذکر نشده بود این جا آمده اند گفته اند هر نوع قراردادی که بطور تبانی شده باشد آنها را باطل دانستند در صورتیکه مطابق سایر قوانینی که ما داریم هر نوع معامله ای که با تبانی باشد یا قراردادهایی که با تبانی منعقد شود بر علیه شخص ثالث مطابق قانون باطل است. آقایانی که این پیشنهاد را تقدیم کردند منظورشان این بود که هر نوع معامله و صلحی و قراردادی که از شهر یور منعقد شده (آهم برای يك مدت موقتی است تا مدتی که اشخاص نمیدانستند صاحب ملک هستند) یعنی اگر اشخاصی آمده اند و يك قراردادهایی گرفته باشند یا يك انتقالهایی گرفته باشند و آنها ندانسته داده اند چون خودشان را مالک نمیدانستند و ما خواستیم که آن اسناد را باطل کنیم که بر علیه آن اشخاصی که ندانسته آمده اند يك قراردادهایی کرده اند سندی نباشد و کسی از ندانستن آنها سوء استفاده نکنند اگر ما این را مقید به تبانی و چیز دیگری نکنیم آن منظور حاصل نمیشود و باز هم بر علیه آن اشخاصی که ندانسته و نفهمیده قراردادی داده اند تمام میشود اشخاصی که سوء نیت دارند برفع آنها تمام خواهد شد در صورتیکه نظر این بود که سوء استفاده نشود (اعتبار - صحیح است) این است که

يك پیشنهادی است باز با مضامین جمعی از آقایان راجع باصلاح این تبصره که جمله (بطور تبانی و بضرر صاحبان آنها) بر داشته شده و مطابق قراردادهایی که شده تا صدور رأی نهائی باطل است. قسمت دیگر عرض بنده راجع به آن تبصره ای بود که مورد توجه مجلس واقع شد و در اینجا نیست راجع بآن تبصره هم در مجلس و هم در خارج مجلس شورای ملی می شنیدیم بعضی ها میگفتند این موهن است برای آقایان املاکداران در صورتیکه بعقیده بنده بر عکس است موهن نیست و بر تشخیص آنها می افزاید (صحیح است) بعضی اشخاص میگفتند خیر ترتیب اثر نباید داد بگفته های مردم چرا نباید داده شود؟ مجلس شورای ملی باید ترتیب اثر بدهد به گفته های مردم بعضی اشخاص اظهار میداشتند که این مطلب به شئون آقایانی که در مجلس سمت و کالت دادگستری هم دادند بر می خورد در صورتیکه ما میخواهیم به شئون آنها بیفزائیم و ثابت کنیم که آنها نظری نداشته اند و اینطورها که شهرت داشته است نیست و هیچیک از آقایان املاکداران نظری نداشته اند و این نظر به نفع آنها و حفظ شئون آنها است و بعقیده بنده برای مجلس شورای ملی و املاکداران مجلس علاوه بر اینکه بهیچوجه موهن نیست بلکه بر عکس خیلی بر اهمیت آنها می افزاید و خلوص نیت آنها را ثابت میکند که آنها هیچ قصدی ندارند فقط منظورشان این است که حق به من له الحق برسد و پیشنهادی هم در این موضوع بعضی از آقایان کرده اند و تقدیم خواهند کرد و تصور میکنم اگر تصویب شود بهتر است.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - گرچه در مجلس يك اقلیتی هست و يك اکثریتی و بنده جزء هیچکدام نیستم ولی فکر خوب وقتی که از طرف یکی از این دو دسته گفته میشود و بنده وقتی با نظر خودم می بینم اصولاً صحیح است با آن موافقت میکنم و اتفاقاً در این ماده ۱۹ چند فقره پیشنهاد از طرف آقایان شده است که بنده صد در صد می بینم هم منطقی است و هم رفیع بعضی اشکالات را میکند و هم جلوگیری از يك سوء

استفاده های احتمالی را خواهد کرد راجع به تبصره يك این ماده بعقیده بنده اشکالی دارد و بنده لازم دانستم که توضیحاتی عرض کنم و آقای وزیر دادگستری هم به این مطالبی که لازم است و عرض میشود توجه خواهند فرمود. موضوعی را که آقای طهرانچی فرمودند راجع به تبانی بنده میخواهم بکفایتی بیشتر توضیح بدهم تا معلوم شود که این جمله که نوشته شده (هر قسم قراردادی که به تبانی انجام شده باشد از درجه اعتبار ساقط است) بدون این تبصره هم قانون مجازات عمومی ما همین را معین کرده است یعنی اگر دو نفر با یکدیگر تبانی کنند بر ضرر دیگری مطابق قانون مجازات عمومی این عمل قابل تعبیر به کلاهبرداری و موضوعات دیگری است که قابل تعقیب است و احتیاج به قانون مخصوص ندارد و آن جا که احتیاج به قانون مخصوصی دارد این است که يك کسی ممکن است با انتظار و امید این قانونی که در مجلس شورای ملی مطرح است بیاید یا بعضی اشخاص قراردادهایی به بندد که متضرر شود البته اگر قانونی فعلاً آنرا منع نکند يك قرار دادی است که بسته است بضرر بخودش و بنده عقیده ام این است همینقدر که این جا نوشته شده است بطور تبانی و بضرر صاحبان املاک کافی است و آقایانی که میفرمایند این جمله (بضرر صاحبان املاک) برداشته شود این لزومی ندارد برای اینکه حقیقه يك قراردادی شد ولی بضرر صاحبان املاک نبود ضرری ندارد وقتی که تبانی شد و بضرر صاحبان املاک هم بود عیب ندارد چون منظوری که هست که کسی از این عمل سوء استفاده نکند و منتهی بضرر صاحبان این املاک نشود اما ایرادی که این تبصره دارد و بنظر بنده ایراد عمده ایست این است که مینویسد قراردادهایی که اول شهر یور ماه تا صدور حکم نهائی. وقتی که این قانون گذشت وضعیت صاحبان این املاک مثل سایر افراد کشور است یعنی همانطور که سایر افراد کشور راجع به حقوق خودشان میتوانند هر گونه قرار دادی بکنند آنها هم آزاد باشند هر وقت که منافع خودشان را تشخیص دادند حق را که برای خودشان تصور میکنند بروند يك معامله و صلحی راجع بآن حقوق

بکنند و ما نباید جلوگیری کنیم بموجب این تبصره از اینکه حقوق فرضیه ای که او دارد برود نسبت بآن يك معاملات و صلحی بکنند نمیتوانیم جلوگیری از حقوق او بکنیم ولی این جا نوشته است از تاریخ اول شهر یور تا صدور رأی نهائی و بنده در پیشنهاد خودم نوشته ام از تاریخ اول شهر یور تا تاریخ تصویب این قانون هر گونه قراردادی که بضرر صاحبان املاک شده باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود علتش هم این است که بعقیده بنده اگر يك چنین قراردادهایی هم شده باشد در این مدتی که بنده عرض کردم اعتبار داده شود برای اینکه آقایان میدانند از شهر یور تا امروز وضعیت املاک و گذاری روشن نبوده و محبوم بوده است و صاحبان سابق این املاک نمیدانستند که وضعیت املاکشان و حقوقشان در دادگاهها چه جور خواهد بود (طهرانچی - بعد از این هم روشن نخواهد بود) حالا اگر در يك موضوعی يك کسی بیاید قراردادی ببندد تا قانون تصویب شده است روی يك قانون مجهولی است نه موکل میداند که قانون چه جور وضعیت او را حل خواهد کرد و نه وکیل میداند که بالاخره روی چه قانونی میتواند باو کمک کند ولی وقتی که قانون گذشت دیگر وضعیت عمل روشن خواهد بود از این جهت بنده این قسمت را باین اصلاح مفید میدانم. اما قسمت دیگری که بنده در پیشنهاد خودم قید کرده ام این است که در آخر این ماده مینویسد: ولی حق الوکاله یا کارمزد مطابق تعرفه وزارت دادگستری مشمول این قسمت نخواهد بود. بنده این را درست نفهمیدم یعنی میگویند این قراردادها بی اثر است ولی اگر کسی کار باطلی کرده میتواند حق الوکاله بگیرد؟ اینجا مینویسد حق الوکاله یا کارمزد اولاً در تعرفه وزارت کارمزد نیست تعرفه وزارت منحصراً راجع بحق الوکاله است و بعلاوه اگر قراردادی که شده است باطل است و مقید کنیم که کارمزد و حق الوکاله را بدهد این را بنده معتقد نیستم وقتی که ما کلیه قراردادها را تا امروز بی اعتبار دانستیم باید این قسمت آخر را بکلی حذف کرد و حق الوکاله و کارمزد هم مشمول عنوان تبصره يك است وقتی که این تبصره يك عملی شد

آوقت آن حق الوکاله و کار مزد هم جزء این میشود یعنی اگر مشمول این قانون شد و ضرر صاحبان املاک بود بی اثر است و کسی نباید حق داشته باشد مطالبه کند ولی اگر شامل این قانون نبود که البته حق داشته باشد.

رئیس - آقای اعتبار.

اعتبار - عرض کنم آقای دکتر جوان مخالف بودند با ماده بلکه با تبصره موافق بودند بنده هم موافق هستم فقط اشکالی که داشتم و میخواستم به عرض آقایان برسانم یک سابقه ای اول عرض میکنم بعد اشکال خودم را آقایان بخاطر دارند در ادوار پیش در دوره چهارم و پنجم یک قانونی از مجلس شورای ملی گذشته بود که وکلای مجلس شورای ملی حق ندارند وکیل دادگستری بشوند بعد در یک موقع مخصوصی که اگر آقایان در دوره ششم تشریف داشتند میدانند در یک مورد بخصوصی آمدند و برای آن مورد بخصوص نسبت به دو نفر از آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی که وکیل دادگستری بودند و میخواستند با آنها یک کارهایی را جمع به دربار و آستان قدس را رجوع کنند آمدند و گفتند که آنها را مستثنی کنند بعد ملاحظه شد که آن استثنا نسبت بیکدیگر دو نفر خوب نیست ما آمدیم آن قانون سابق را لغو کردیم و هر یک از آقایان هم میتوانند به سابقه آن مراجعه کنند. باید دید واقعا نمایندگانی که در ادوار پیش بوده اند چرا این کار کردند و بنظر بنده حق است آنها بوده است و صحیح هم بوده است مجلس شورای ملی بایستی مبرا باشد از این که وارد یک مطالبی و یک مذاکرانی بشود و بالاخره تفوه این که ممکن است یک اشخاصی فکر فکر کنند و بگویند که این جا یک اعمال نظری میشود و اعمال نفوذی میشود این بایستی در محض نمایندگان مجلس شورای ملی بشود بهر حال حالا بنده کاری بآن قانون ندارم شاید حقیقه یک روزی مجلس شورای ملی برسد بآن مرحله که مقتضی بداند که آن قانون را دومرتبه ایجاد نکنند فقط در این مورد بخصوص بنده معتمد که آقایان همه مان مطالبی و صحبت هایی و حرفهائی در داخل و خارج شنیده ایم و میگویند و بنده هم تصدیق میکنم که اینها جز اتهاماتی بیش نیست

خوب برای چه ما این اتهامات را بخود بخریم و برای چه بگذاریم برخلاف واقع و حیثیت یک مطالبی بگویند با اینکه هیچ منظور و مقصودی نیست ؟ مخصوصا در جلسه خصوصی که آقایان تشریف داشتند وقتی که ماده ۱۴ مطرح بود صحبت شد یکی از موافقین این تبصره خود آقای مخبر کمیسسیون بودند و اظهار کردند که من از موافقین این فکر هستم چه در تبصره ای که آقای طهرانی پیشنهاد کردند و چه تبصره ای که بنده و یک جمع دیگر پیشنهاد کردیم و حقیقه هم باید اینطور باشد راجع به موضوع نظر کمیسسیون دادگستری. البته کمیسسیون دادگستری در هر مطلب و هر موضوعی میتواند وارد شود و بحث کند ولی بنده سابقه ندارم اگر آقایان دیگر سابقه دارند ممکن است به بنده بفرمایند که یک مطلبی را یک طرخی را یک قانونی را مجلس شورای ملی و اکثریت مجلس شورای ملی تصویب کرده باشد و قابل توجه بداند کمیسسیون دادگستری اصلا وارد نشود و آنرا بیندازد دور بنده اصلا یک همچو سابقه ای را در مجلس و در کمیسسیونها ندارم راست است کمیسسیون در عبارات اصلاحاتی میکنند ممکن است در آن موقع که بنده پیشنهادی تقدیم میکنم یا این که یکی از آقایان دیگر پیشنهادی تقدیم میکنند و مجلس قابل توجه میداند وقتی که میرود کمیسسیون ممکن است عباراتش را درست کنند ولی اصل معنی را نباید از بین ببرد بنده که همچو سابقه ای را نداشته ام و از دوره پنجم هم که در مجلس بودم خاطر ندارم که مجلس شورای ملی یک چیزی را تصویب بکند و تصدیق بکند آوقت برود به کمیسسیون و کمیسسیون پیشنهاد دور و بنظر بنده این اصلا کار صحیحی نیست باضافه مخصوصا در این موضوع بخصوص که ما گفتیم نمایندگان مجلس شورای ملی آلوده باین کار نمیشوند و در این کار وارد نیستند و در این کار املاک که ما یک احساساتی بخرج دادیم که گفتیم برای مستمندان و بیچارگان داریم کمک میکنیم حقیقه احساساتی صرف بیش نیست و همان احساسات خوب است آوقت بیاوریم این را وقتی که مجلس میگوید نمایندگان مجلس بایستی در این کار بعنوان وکیل یا حکم مداخله کنند و کمیسسیون

و آقای وزیر دادگستری هم در اینجا توجه بفرمایند و نظر اکثریت مجلس را اهمیت بدهند و بالاخره توجه بفرمایند وقتی که اکثریت مجلس یک موضوعی را میخواهد ایشانت هم موافقت بفرمایند.

نقابت (مخبر کمیسسیون دادگستری) - قبلاً بنده عرض کنم توضیحاتی که به عرض آقایان میرسانم فقط بعنوان نمایندگی کمیسسیون دادگستری است و نظر یک کمیسسیون است که در اینجا بحث کردند و این نظر را اتخاذ کردند از نظر شخص خودم نیست و حتی شخص بنده اقتدر هم برای جاوگیری از یک تظاهری رعایت سیاست را نکردم و تابع منطبق شدم که در اینجا که جلسه مجلس است و حرفها نوشته میشود مخالفت کردم و در کمیسسیون و در جلسه خصوصی گفتم با این نظر که وکیل مجلس را از وکالت دادگستری ممنوع کنند بنده هم موافقم آنجا گفتم و باز هم اینجا تکرار میکنم که تا این ساعت که من به رفقای که اطلاع دارم به یک وکلای از مالکین مازندران پذیرفته ایم و میخواهیم پذیرفت اینها را گفتم که مطلب خائمه پیدا کند و گفتم هر کس هر موردی را سراغ دارد نشان بدهد بنابراین آن جلسه که این موضوع صحبت شد فقط انبر برای اینکه تظاهر شده باشد و اظهار خود خواهی شده باشد اینجا تابع منطبق شدم و عرض کردم آنچه در مجلس شورای ملی تصویب میشود بایستی در حدود منطبق و مقررات و عمومیات کشور باشد و هیچوقت توجهی نداشته باشد باشخاص و افراد معین البته در کشور های راقیه دنیا وکیل مجلس دارای همه سمتی در خارج هست و یک امتیازاتی دارد که در کشور ما ندارد وکیل مجلس در هر راه آهنی سوار شود پول امیکپارد و در هر جا که وارد شود باو احترام میکنند پست و تلگراف وکیل مجلس مجای است و هزارها امتیازات دیگر هم دارد و باز در ممالک راقیه وکیل مجلس میتواند وزیر بشود و بعد از ختام دوره وزارت میتواند باز برگردد بکرسی وکالت مجلس به نشیند و اگر آقایان فراموش فرموده باشند در موقع بهران کابینه در جلسه خصوصی آقای دشتی تذکر دادید

که یکی از شرایط رشد هر ملت این است که اینطور فکر بکنند حالا یکمده از آقایان نمایندگان که اینطور علو مقام داشته اند این اندازه بلندی نظر داشته اند که موافق بوده اند باینکه وکیل وزیر هم بشود و باز برگردد نمیدانم چه شد که اینقدر فکرها محدود میشود که میگویند وکیل مجلس وکالت دادگستری هم نکند چرا؟ برای اینکه اعمال نفوذ میکند اگر برای اعمال نفوذ است که در اینجا قانونی گذشت که هر کس اعمال نفوذ بکند مجرم است و تعقیب میشود مگر معنی دارد که یک نفر جواز وکالت دادگستری بگیرد و در مقابل کلام الله مجید و در حضور قرآن قسم بخورد وکیل هم نباشد اما وکالت بگیرد از اشخاص و املاک اشخاص و اموال صغار را بموجب وکالت نامه بردارد و تفریط کند و در اموال اشخاص دخالت کند مگر نمیشود آقا؟ میشود مگر نمیتواند قبول وکالت بکند از اشخاص و بعد بگوید که چون من حق حضور در محکمه ندارم میروم بفلاک وکیل وکالت میدهم پس باید آن روحش را اصلاح کنند منطق خودش را اصلاح کند وقتی که این چیزها را اصلاح کرد جامعه اصلاح شده است و هر کس باو بطور احترام نگاه میکند لازم نیست در پیشانی خودش بنویسد که من آن چنان کسی هستم که مرتکب جعل نمیشوم، من آن چنین کسی هستم که مال ایتام و ارامل را نمیخورم لازم نیست، این چیزها در قلب او نوشته شده در تمام قوانین و مقررات ذکر شده این مسائل و اینها يك مطالبی نیست که امروز دارالشورای ملی بعنوان اینکه باید رعایت احساسات عمومی را بکنیم يك ماده قانونی بگذارند که وکیل مجلس در مورد این املاک حق وکالت دادگستری را ندارد، خوب آقایان هیچکدامتان مگر وکیل دادگستری هستید؟ وکیل دادگستری در مجلس شورای ملی منحصر بسه چهار نفر است این هم کاریر سابق آنها است آنها هم بمقت وکیل دادگستری نشده اند ۲۱ سال تحصیل کرده اند درس خوانده اند خدمت کرده اند جواز دارند سوابق دارند همینطور که جماعتی در بین آقایان طبیب هست مگر مفت میشود طبیب

شد باید بیست سال سی سال زحمت بکشد چه بکند تا دیلم بگیرد و آنوقت طبیب شود و خدمت کند حالا بعد ما بگوئیم که وکیل مجلس اگر يك روزی يك قوانینی باشد ما وضع کردیم ابراز احساسات کردیم و قانون برای اطباء گذرانیدیم و گفتیم اطباء باید تحت يك تنسیقانی باشند آنوقت بگوئیم که وکلای مجلس که طبیب هستند حق طبابت ندارند، یا اگر يك نظامانی يك روز خواستیم برای تجارت بگذاریم بعد فرداش بگوئیم وکیل مجلس شورای ملی که تاجر است حق تجارت ندارد اینها محدود کردن فکر است اینها پائین آوردن سطح فکر است نباید روی این کارها فکر کرد و من خواهش میکنم تا آن اندازه که در مطلب بحث شده است برگویند که آن خارج هم مسلم شده، آن گویند که آن خارج هم دو دسته هستند یا اهل منطق هستند یا اهل تقوی و پرهیزکاری هستند حرفهایی که زده اند بادلایل گفته اند آن ادله را هم اهل مملکت میخوانند، قانون بقول موافقین و نماینده افکار هر جامعه است افکار هر جامعه را در قانون آن جامعه میشود خواند اگر شما مثلاً در قانون بازرگانی گذرانید که هر کس هر مالی را هر تاجری که ظاهر مالی را بنام غیر و باطناً بنام خودش خریداری کرد کلاه بردار محسوب است وقتی این قانون گذشت دنیای متمدن این قانون را خواند میگوید در آن کشوری که این قانون گذشته است در آن کشور از این قبیل اعمال و اعمال بسیار است که این ماده قانون برای اینکار گذشته است و اینجا عده و کلاه مجلس شما که وکیل دادگستری هستند سه چهار نفر است این سه چهار نفر هم بند و بست با املاک مازندران نکردند و ندارند اگر هست بگویند حسن یا حسین اینها يك مشت مردمانی بوده اند که آمده اند و شکایت کرده اند آقایان را بتلگرافخانه خواستند اکثر آنها آقایان مبرزین مجلس را میخواستند باز وکلای دادگستری را اکثر آقایانی را که وکیل دادگستری نبودند میخواستند به بینند نضرع میکردند التماس میکردند يك عده از اینها بیچاره شده اند و بالاخره آمدند اینجا و چهار فقر و فلاکت

و کدائی شده اند و این در و آن در معطل شده اند تا اینکه این قانون بگذرد و تکلیف آنها روشن بشود این هم هنوز نگذشته و بنا بر این آقایانی که در جلسات خصوصی آنقدر علو همت داشتند که میفرمودند وکیل مجلس بایستی وزیر بشود ما نباید فکر را اینقدر پائین ببریم و اینطور بگوئیم، بهر حال اگر هم مجلس رأی داد برای همه کس مطاع است هر کجا هم خط مشی زندگانش را بر حسب قوانین مصوب باید تدوین کند و پیش بگیرد و برود و این يك چیزی نیست که ایجاد يك تشاجری بکند و يك اختلاف نظری پیش بیاید بادلایل این باشد که خدای بخوایسته بین بنده که برخلاف این نظر هستم یا آقای اعتبار که موافق این نظر هستند اختلافی هست و بنده بایشان سوء نظری دارم (اعتبار نه خیر، آقا، ابداً) بنده هیچوقت همچو نظری نداشته ام (صحیح است) و آقایان هم شاهدند که بنده در دوره که در مجلس زندگانی کرده ام با آقایان هر کدام که هر خدمتی به بنده رجوع کرده اند با کمال افتخار انجام داده ام (صحیح است) بدون اینکه انتظار پاداش داشته باشم همینطور در جای دیگر زیرا بنده معتقد هستم امروز مملکت ما محتاج بکمک است هر کس باید حسن تعاون را در خودش ایجاد کند هر کس دست همسایه خودش را باید بگیرد، دست بیچارگان را بگیرد، اگر کرسنه را دید نان بدهد اگر کمک کردیم و تفرقه نداشته ایم بجایی میرسیم و اگر وحدت داشتیم به نتیجه میرسیم و اگر نداشته ایم رویه مارا بیاد فنا خواهد داد (صحیح است) بهر صورت بنده خیال میکنم که در این قسمت تبصره را که آقایان امضا کرده اند و تقدیم خواهند کرد و مطرح خواهد شد بنده نظر شخصی خودم و نظر کمیسیون هر دو را محدود کردم و بعرض آقایان رساندم، اما در موضوعات دیگر تبصره های تهرانیچ منطق داشت و قابل قبول بود زیرا مجلس شورای ملی این جور فکر کرد این اشخاصی را که امیدوار بودند يك روز بمالشان برسند حالا هم امیداند عاقبتش بشکجا خواهد رسید ممکن است يك مردمان شیادی پیدا شوند و با اینها يك اسنادی تنظیم کنند و البته اینکه گفته میشود که بعد از حکم معلوم

میشود کی مالک است و کی مالک نیست این صحیح و لسی صلح حقوق در قوانین ما معمول به است و جائز است سندی تنظیم میشود کسی حقوق متصوره خودش را صلح میکند... اعتبار - ولی آن صاحب املاک نمیشود، اینجا نوشته اند صاحب ملک...

مخبر - این عبارت قدری تسامح دارد البته مراد صاحب بالقوه است، صاحب بالقوه بعد از حکم است چون اینجا قید شده است تارای نهائی بصاحبان املاک - پس نظر تان رأی نهائی است که او صاحب شناخته میشود و امروز صاحب دولت است مطابق مقررات تصدور رأی نهائی، و این حرف خیلی منطقی و درست و صحیح بود که هر کس هر قراردادی با اشخاص ببندد و بخواهد حقوق آنها را تضییع بکند و باصطلاح کلاه برداری بکند و بالاخره اینهمه احساساتی که در مجلس شورای ملی برای اعانت مظلوم و اعانت مظلوف گفته شد اینها همه برای این بود که حسن و حسین با هم کمی نزن نکنند و ملکی را ببرند، برای اینکه این حرف گفته نشود، فرق نمیکند وقتی که گفتیم قرار داد با هر کس ببندد باطل است آن هر کس اگر وزیر است، اگر وکیل است، طبیب است، تاجر است، همه داخل در این هر کس میشود اما دیگر چرا اسم ببریم و بگوئیم وکیل دادگستری بخصوص یا وزیر بخصوص باین جهت کمیسیون دادگستری از لحاظ رعایت نزاکت عمومی از لحاظ اینکه این انتسابات اشخاص مغرض را در بین وکلا صحیح نمیداند و مواردی را پیدا نمیکند که از وکلای مجلس شورای ملی کسی با صاحبان املاک بند و بستی کرده باشد این کار را کرد و گفت که هر قراردادی که بضرر این اشخاص باشد باطل است، اما آنچه که راجع به نهائی فرمودید آقای وزیر دادگستری بنده هم از طرف کمیسیون موافقم که کلمه نهائی از ماده برداشته شود و نوشته شود هر گونه قرار دادی که بضرر صاحبان املاک، اما البته این قید بضرر لازم است زیرا اگر بنفعش هم بگوئیم باز باطل است؟ اینکه نمیشود از طرف دیگر وقتی که مبنای مجلس شورای ملی بر این است که باین

کارها رسیدگی کنند و حرفشان را گوش بدهند و حقشان را بگیرند دیگر اقتضا ندارد که مانع جلوی پای آنها بیاید و ایجاد کند. اگر بگوئیم آنها وکیل تعیین نکنند فرض کنید فلان آخوند ده را ده نفر بدست نفر وکیل بکنند فلان کدخدا را انتخاب کنند و بفرستند بظاهران دیگر مانع نباید ایجاد کنیم با قید اینکه مدت اعتراض هم محدود بزمان است که شش ماه باشد او دیگر بحقش نمیرسد و این نقض غرض است. البته عمل مسلم ناجور است اگر يك کسی وکیل شد از طرف يك عده مردم دهی که در لاریجان است و این آمد و خرج کرد کار کرد رسیدگی کرد خوب این خرج کرده کرایه اتومبیل داده مطابق تعرفه که وزارت دادگستری مقرر میکند که تا چه مبلغ چقدر و حق شرکت در مالک را هم ندارد حق شرکت در مدعی به را هم ندارد حق ندارد زیاده از آن بگیرد اگر گرفت مجرم است معذالك اگر آن قانون وکالت را بخواهید پشت آدم می‌آورد که چطور ممکن است باین قانون کسی وکالت کند. شخص وزیر عدلیه در آن قانون وکالت اختیار دارد که تا دو سال يك کسی را بدون اینکه سوالی ازش بکنند ممنوع کند بعد از دو سال ازش بپرسد آقا احوال شما چطور است.

با این شدنی که آن قانون نوشته شده است دیگر این حرفها موضوع ندارد. آن قانون چرا گذشت؟ برای اینکه وقتی که محاکمه متهمین وزارت طرق در دیوان جزا مطرح شد و کلای دادگستری آمدند گفتند آقا شهربانی دارای فجایعی است، ظلم کرده است، شدت کرده است، برده است مردم را کشته است، زجر کرده است تا این اقارب را گرفته است این حرف بر خورد. شهربانی و شهربانی هم با کل قدرت سر کار بود وکیل هم در مقابل کلام الله قسم خورده بود که چون در پیشگاه دادرسی مجبورم حرفهایم را بزم حرفهایش را زده آوقت تمام و کلای عدلیه محروم و ممنوع شدند از وکالت حبس شدند تبعید شدند آن قانون هم در همان ایام آمد در مجلس و تغییر پیدا کرد شدیدتر شد قضات هم معزول شدند و از کار افتادند

وزرا هم از کار افتادند قانون هم آمد این جا عوض شد و با شدت نظر هر چه تمامتر در این جا تصویب شد و هنوز هم این قانون وکالت با این شدت همینطور بقوت خودش باقی است شما در مقابل يك همچو قانونی که برای وکیل دادگستری دارید باز هم ازش میترسید؟ پس در هر حال آن کلمه تبانی را برای اینکه موهم مقصودی نباشد و آقای تهرانچی فرمودند آقای وزیر موافقت کردند بنده هم از طرف کمیسیون موافقت میکنیم کلمه بطور تبانی از ماده حذف شود و بقیه اش هم بهمان صورت باقی بماند راجع بکلمه صاحبان املاک که آقای اعتبار تذکر دادند عرض کردم در ضمن عرایضم این جا نوشته شده است هر نقل و انتقالی که با صاحبان املاک تارای نهائی بشود این کلمه صاحبان بعد از آن که رای نهائی بحق آنها صادر شد این کلمه صاحبان بر آنها صدق میکند این هم که این جا نوشته شده است از نظر مسامحه و توجه به نتیجه است که اشکالی ندارد و اشکال عبارتی است معذالك باز اگر عبارت بهتری نظر تان میرسد پیشنهاد بفرمائید که اصلاح شود.

در قسمت های دیگر هم ضمن عرایضم بنده خیال میکنم که چیزی بی جواب نگذاشته باشم اگر توجه بفرمائید آقایان باینکه خیلی معطل شده است این مسئله در اصل قضیه مقصود حاصل است و در این تبصره هم (در مقدمه لایحه هم ذکر شد) آن مقاصدی که اینجا بود تأمین شده است و در قسمت حکمیت آقایان وزرا هم آن جا در کمیسیون صحبت شد و مباحثه شد که وقتی دو نفر بتراضی بیک ثالثی اطمینان داشته باشند و باو اختیار و حکمیت بدهند اولاً این راهم عرض کنم در این موضوع و این قانون جامع حکمیت ندارد زیرا يك فرمولهای معینی دارد که محیکمه آن نکته که راجع بتغییر اساسی ملک است و ساختمانهای مهم که آنها باید طبق قانون منظور نظر قرار دهد و آن مسئله علاوه بر هزار تومان که چطور باشد و اقساط چطور اینها همه اش را در قانون معین کرده است (طباطبائی چیزی باقی نمانده است) بلی. رسیدگی چطور بکنند و همه این مقررات در قانون مندرج است بنابراین کاری نیست که برود حکمیت و اصلاح خیال آقایان راحت باشد در سایر امور هم

بطور اطلاق حکمیت حکایت از توجه میکند حالا اگر آقایان مواردی را در نظر داشته باشند که يك وزیر يك کسی را برزور آورده باشد و از او حکمیت گرفته باشد باید او را تعقیب کرد که بعد از این دیگر این قبیل موارد پیش نیاید بنابراین این يك موردی است که عرض کردم همانطور که قانون نتیجه فکر جامعه است پیدا شدن این چیزها هم در قانون ردیاست و معلوم میشود که خدای بخوایسته این قضایا واقع میشود که يك چنین چیزهایی برای آن ذکر میشود در يك موادی و در يك قانونی در هر صورت وقتی اینجا نوشته شد کلیه این قراردادها باطل است مقصود معین است و روشن هر کس که باشد وکیل عدلیه آمد و بست باطل است وکیل مجلس هم ببندد باطل است وزیر هم ببندد باطل است.

[۷- اظهارات آقای رئیس راجع بعدم حصول نتیجه نسبت بانتهای نظر بانک و تجدید انتخاب]

رئیس - برای نظارت در اسکناس انتخابی که شده است بدون اکثریت است لهذا باید تجدید انتخاب بشود.

اعتبار - بنده استدعا میکنم صورت را بخوانند هر يك از آقایان که بیشتر رای دارند باو رای بدهیم.

مؤید احمدی - اجازه می‌فرمائید.

رئیس بفرمائید.

مؤید احمدی - اگر خاطر مبارك آقایان باشد در هر سال در اردیبهشت ماه که دو نفر نظار انتخاب می‌شدند بنده يك شرحی راجع باسکناس و پشتوانه اسکناس در مجلس می‌گفتم ولی عجله چون هر هفته صورتش در جرائد منتشر میشود دیگر توضیحات زیادی را لازم ندارد و بنده عرض میکنم و همینقدر میگویم که اسکناس ما بحمد الله تعالی از حیث پشتوانه فلزی و همچنین موضوع جواهرات بدرجه ایست که میتوانم بگویم صدی صد پشتوانه داریم و از این ۷۰ میلیون هم که اخیراً اجازه دادید ۴۰ میلیون بیشترش مصرف نشده است مابقیش را هنوز از بانک نگرفته اند. لکن البته خاطر آقایان مستحضر است که بنده در این مدت ده سال خیلی زحمت کشیده ام در قضیه بانک به ملت اینکه بانک بشکست امروز نبود آن سردابهای نبرز میلی بود و قضایای بود که من خیلی در آنجا صدمه

خوردم و میتوانم عرض کنم که سینه بنده از آنجا اینطور شد و دیگر این قوه برای بنده باقی نمانده فقط در ازاء این زحمت ده ساله يك تقاضا از آقایان دارم و استدعا میکنم آقایان توجه بفرمایند ده سال بنده زحمت کشیدم برای شما يك تقاضا از شما دارم و آن این است که بمن رای بدهید من قوماش را ندارم بنیه اش را ندارم و سینه ام درن میکند.

(نتیجه استخراج آراء خوانده شد)

این جانبان که بر حسب قرعه برای استخراج آراء مربوطه ببالک ملی انتخاب شده بودیم آراء را استخراج نمودیم و نتیجه بشرح ذیل است.

آقایان : اراقی ۴۶ رای - شاهرودی ۳۸ رای - مؤید احمدی ۳۱ رای - اصفهانی ۲۹ رای - افشار ۱۲ رای - شیرازی ۸ رای - اصفهانیان ۲ رای - فروهر ۲ رای چند نفر هم يك رای دارند.

رئیس - آقای طهرانچی.

طهرانچی - البته زحماتی که آقای مؤید احمدی نماینده محترم در این مدت ده سال کشیده اند بر هیچکس پوشیده نیست همه این را میدانند حالا هم نظر آقایانی که بایشان رای داده اند و نظر مجلس بایشان از لحاظ شخص ایشان بیست از لحاظ سابقه ایست که در این امر دارند و بنده خواستم همینطور که صحبت شد از زحمات آقای لایقوایی هم تشکر بشود در مجلس برای اینکه ایشان هم زحمت کشیده اند منتهی خودشان هم بعنوان اینکه کسالت پیدا کرده اند در موقع سوزاندن اسکناسها از آن جهت بود عذر خواستند والا نظر دیگری نداشتند و آقای مؤید احمدی هم در خارج این را فرمودند ولی باید در مقابل تکمیل این زحمات باز این را قبول بفرمایند و حالا هم آقایان استدعا دارند برای مصلحت مملکت هم که شده قبول بفرمایند و آقایانی که بایشان عقیده مندند رای خواهند داد.

افشار - بلی استدعا میکنم قبول بفرمائید.

مؤید احمدی - مرخص هستم بلی توانم.

رئیس - دو مرتبه رای میگیریم برای انتخاب دو نفر نظار بانک.

(اخذ رای بعمل آمد)

رئیس - آقایان مستخرجین آراء باتفاق آقای بدیل سمیعی استخراج آراء می کنند و به عرض مجلس میرسانند عده حضار هم موقع اعلام رأی ۱۰۱ نفر بود.

[۸- بقیه مذاکره در ماده ۱۹ لایحه قانونی املاک و اسناداری]

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم که بنده میخواهم يك اشاره بکنم به بیانات آقای مخبر کمیسیون قوانین داد گستری که فرمودند بنده در جلسه خصوصی گفته ام باید وکیل وزیر هم بشود و بعد هم بتواند برگردد بمجلس و حالا اینقدر کوتاه نظر شده ام که میگویم وکیل مجلس حق وکالت داد گستری را هم ندارد این يك قیاس مع الفارق است آقای نقابت مجلس شورای ملی اساساً ساخته شده است برای اینکه وکلاء در سیاست مداخله کنند یعنی این دستگاه دستگاه سیاست است همچنین تمام افراد وکلای مجلس که در مجلس هستند در حکومت و در سیاست مملکت باید صاحب رأی و عقیده باشند این مسئله در تمام حکومت های دموکراسی محرز و این اصل مسلم است در تمام حکومت های دموکراسی دنیا که ما ایرانیان بتقلید آنها و از روی سبک آنها حکومت ساختیم در پهلوی آنها این اصل محرز است. حکومت دموکراسی یعنی حکومت ملی یعنی حکومت ملت بر خودش البته بیست میلیون سی میلیون نفر که نمیتواند بر خودش حکومت کند ناچار است نماینده بفرستد پس این نمایندگان هم که همه نمی توانستند حکومت کنند بر ملت لذا اینها هم يك عده را انتخاب می کنند و رأی اعتماد میدهند بهشان و باو میگویند حکومت کن و اسم او دولت است. در تمام دنیا این اصل مورد قبول است ولی این غیر از این است که يك وکیل داد گستری وقتی وکیل مجلس شورای ملی شد بواسطه مقامی که دارد وقتی که وکیل مجلس شد مکلف است پس از قبول وکالت مجلس وکالت داد گستری را نکنند مخصوصاً در ممالکی که رشد و نمو سیاسی شان بعد کافی نرسیده است و ممکن است قضات تحت تأثیر او واقع شوند و ممکن است این وکیل داد گستری اعمال افون بکنند این شبهه هست نمی خواهم بگویم حتماً

هم این کار میشود ولی این شبهه هست مخصوصاً در مورد قانون استرداد املاک که در این قانون بنده اینطور تصور می کنم حقیقه مجلس شورای ملی بیتش خالص است و قربه الی الله میل دارد که املاک مردم را پس بدهند حالاً ممکن است يك نفر دو نفر پیدا شوند من بکسی نهمت نمیزانم ولی حقیقه مجلس شورای ملی بیتش خالص است و دولت هم بیتش خالص است. بنده یادم می آید در موقعی که این قانون بواسطه کارهای مختلفی که مجلس داشت عقب می افتاد يك عده زیادی از مازندران ها بشبه افتاده بودند که این قانون را دولت نمی خواهد بگذراند آمدند پیش بنده با اینکه آن موقع بنده با دولت مخالف بودم با کابینه آقای فروغی مخالف بودم من قسم خوردم که همین کابینه فروغی را با اینکه من با او مخالف هستم بیتش این است که این املاک را پس بدهد هم دولت این بیت را دارد هم مجلس این بیت را دارد ولی معذک در این مملکت يك حرفهائی زده میشود و همه شما ها هم شنیده اید میگویند يك عده بند و بست کرده اند و می خواهند کارهایی بکنند و يك حقه بازیهائی بکنند يك عده از وکلاء برای اینکه این شبهه را از مجلس رفع کنند و بگذارند دامن مجلس آلوده باین اتهامات بشود گفتند که ما اصلاً در این کار ها دخالت نمی کنیم و منظورشان هم این نبود که فلان وکیل داد گستری آقای نقابت یاد دیگری اینکار را کرده باشد (صحیح است) خدا شاهد است ما این قصد را نداریم (صحیح است) ولی بطور کلی و بطور جدی برای اینکه رفع این شبهه شده باشد... ما چه داعی داریم آقا بقول حدیث نبوی اتقوا من مواضع التهم باید حتی الفوه سعی کرد که از تهمت بر کنار ماند پس بنا بر این بیت بوده است آن کسانی که این پیشنهاد را داده اند که مجلس شورای ملی از این تهمت مبری بشود ولی این سابقه را که آقای اعتبار فرمودند صحیح است این قضیه هیچ در مجلس شورای ملی سابقه نداشته است ولی البته مطابق مثل معروف که میگویند شاه می بخشد و شیخعلی خان نمی بخشد اکثریت مجلس شورای ملی با يك پیشنهادی موافقت می کند و بآن رأی میدهد کمیسیون

عدلیه نمی گویم و نمی خواهم بگویم حق ندارد امان نظر بکند ولی از نظر از اکت سیاسی و اجتماعی باید این را در نظر بگیرد که اکثریت مجلس شورای ملی نظارش محترم است و باید نظر اکثریت مجلس را مورد توجه قرار دهد (صحیح است) اکثریت مجلس شورای ملی هر چه رأی داد کمیسیون عدلیه باید آنرا توجه بکند نه اینکه یکمرتبه بیندازدش دور و بجان نام یکن فرض کند و يك گزارش دیگری بدهد بمجلس شورای ملی. این شایسته نیست (صحیح است) بالاخره آن کسانی که امضا کرده اند آن پیشنهاد را و مجلس شورای ملی هم آن را رأی داد يك نظری داشتند که آن نظر بایستی در کمیسیون داد گستری مطرح میشد و يك جرح و تعدیلی هم اگر لازم میداشت میکردند عبارتش را اصلاح اگر لازم داشت میکردند و به مجلس گزارش می دادند (صحیح است) ولی همینطور یکمرتبه بطور مطلق او را بیندازد دور این خوب نیست (صحیح است) و بنظر بنده این بی سابقه است در مجلس و همچو سابقه ای ما نداریم که نظر اکثریت مجلس را کمیسیون رد کرده باشد (صحیح است) برای چه؟ برای اینکه تمام قوت و قدرت شما اعضای کمیسیون عدلیه از مجلس شورای ملی است اگر مجلس شورای ملی نباشد شما چه هستید؟

هاشمی - فرع زائد بر اصل

دشتی - پس بنا بر این شما باید ملاحظه اکثریت مجلس و نظر اکثریت مجلس را همیشه بکنید. آقای نقابت اشاره کردند باینکه ممکن است که اگر ما این ماده را بگذاریم در این قانون بقول منتسکیو که میگوید همیشه قوانین هر ملت روحیه و اخلاق آن ملت را نشان میدهند استناد جستند و گفتند این خوب نیست. خیر آقا ما بهمین دلیل این قانون و این ماده را پیشنهاد میکنیم اگر این شبهه امیرفت و این حرف زده نمیشد ما الزام داشتیم که این قانون و این تبصره را پیشنهاد کنیم ولی وقتی این شبهه میرود و مردم این حرف را میزنند ما برای اینکه دامن خود را پاک نگاه نداریم باید به این پیشنهاد رأی بدهیم چیز دیگری

که میخواهم عرض کنم این است که قوت و قدرت هر جامعه مخصوصاً در درجه تقوی و پرهیز کاری اوست (صحیح است) شما اگر بخواهید بر این ملت و مردم حکومت کنید و حرف شما مثل قرآن در مردم تأثیر کند باید سعی کنید که خودتان را مبرا کنید و یکی از راههایش این است که این پیشنهاد را قبول کنید.

مخبر - بنده شخصاً بطور اختصار عرض میکنم وقتی که آقای دشتی صحبت میکنند من در خودم اینطور احساس میکنم که سراپا گوش باشم زیرا از طرز بیان و صدا و لهجه ایشان هم خوشوقت میشوم ولی متأسفانه آقای دشتی در سیاست دارای سوابق طولانی هستند و در تعلق و بیان هم قوی هستند ولی باید بایشان عرض کنم که کمتر در کارهای قضائی بوده اند یعنی در کارهای داد گستری و قوانین داد گستری تخصص زیادی نداشته اند آنقدری که بنده یا آقای دکتر جوان وارد هستیم ایشان وارد نیستند و البته این هم عیب نیست مثلاً اگر بگوئیم که آقای دشتی ساعت سازی نمیدانند ایشان اوقاتشان تلخ خواهد شد چون کارشان این نبوده بنا بر این بنده خلاصه میکنم فرمایشات ایشان را باین مطلب که میفرمایند دامن مجلس مبری باشد و بایستی که مجلس آلوده نباشد این ما حاصل بیانات ایشان است این صحیح است همینطور که آقایان هم تصدیق فرمودند اما يك ضمانتی دارد این کار اولاً وکیل داد گستری که فرمودید در جریان سیاست نیست و وکیل مجلس هست عرض می کنم که پایه هر سیاستی در تمام ممالک متدینه وکالت داد گستری است مراجعه کنید به لیست اشخاص که در دنیا در فرانسه در انگلستان در جاهای دیگر وکیل، وزیر، رئیس الوزراء بوده و وارد سیاست بوده اینها همه پایه شغلشان و شروع بزندگایشان کار آو کا و وکالت داد گستری بوده است چرا برای اینکه این کار اولاً تحصیلات حقوقی لازم دارد و حد اقل تحصیلاتش باید لیسانسیه باشد و باین اقتضا در تمام شئون حقوقی و اجتماعی مداخله میکند و کارهایی هم که با اینها عرضه میشود کارهای مختلفی است. فرضاً در يك کار مهم جزائی گیر میکنند که ممکن است بجای علیّه با سم مرده باشد

این جا و کیل باید در این قسمت مطالعه ملی بکنند و باطیب بر خورد کند و وارد بشود یا در امور تجارتی باید مطالعات دفتر داری و تجارتی کرده باشد یا وقتیکه يك نفر وزیر را مجلس شورای ملی رأی بتمتعیش میدهد و هیئت عمومی دیوان کشور تشکیل میشود آن هیئت صاف آنجا سراپا گوش میشود و یکنفر از و کلای داد گستری را میگویند از این آدم دفاع کن و این و کیل باید تمام کوران زندگانی آن وزیر را در نظر بگیرد و بمحکمه ثابت بکنند که این جریان از کجا شروع میشود و بکجا منتهی میشود بنابراین این و کیل باید کاملاً وارد در سیاست هم باشد و اینکه فرمودند امایندگی مجلس مقتضی دخالت در سیاست است و اگر و کیل مجلس و کیل داد گستری هم باشد ممکن است قاضی را تحت تأثیر قرار بدهد بنده از آقا اصف میخوام ممکن نیست وزیر قاضی را تحت تأثیر بگذارد؟ ممکن نیست رئیس شهر بانی قاضی را تحت تأثیر بگذارد یا رئیس فلان اداره یا فلان ناحیه ممکن نیست؟ اینها را ندیده ایم نشنیده ایم؟ پس بنابراین همیشه گفت و کیل داد گستری فقط این کار را ممکن است بکنند بعلاوه برای این کار شما يك سوپاپهای گذارده اید سوپاپ دو سوره دارد این کار و آن قانون و کالت است که هر و کیلی عرض میکنم که سندی بگیرد، حق زائد بر میزان تعرفه بگیرد، تبانی کند دفاتر مرتب و حساب منظم نداشته باشد کلاه برداری بکند؟ با قضات بسازد هر کس است مسئول است. هر کس و کیل مجلس را هم شامل است و اگر واقعاً وحشت از این است که و کلای مجلس در این قانون بخصوص دخالت نکنند این را باید موافقت کرد که اینطور لگوئیم که و کالت داد گستری است. چیزی که به او اور و کالت میخورد این بودن کلمه داد گستری است در این پیشنهاد بنویسید هیچیک از نمایندگان مجلس شورای ملی در امور مخصوص باملاک حق دخالت بهیچ عنوانی نخواهد داشت نه به سمت و کالت نه بسمت وصایت (صحیح است) وقتی شما میگویید که و کیل حق ندارد بسمت و کالت داد گستری دخالت کند این حصر میشود بچهار نفر بنابراین

صلح کنیم با شما این مطلب که فرمودید مورد قبول هم هست همه را بنویسید. و کیل داد گستری که خویش رنگین تر از سایرین نیست همه را بنویسید چهار تا و کیل داد گستری خوب نیست يك کسی یا تاجر هست یا طبیب هست رفت پیش قاضی و گفت من و کیل کرکان هستم یا از فلان جا آمد اینجا پیش بنده و یا پیش آقای محمد آخوند یکنفر تر کم آمد توی خانه ایشان و گفت برای من اقدام بکن او هم از نظر وظیفه خودش باید مداخله کند آوقت باید بگوید من حق ندارم پس از نظر تعمیم قوانین بنده انتقادی کردم نه از نظر خصوصی ولیکن از نظر انتقادی که بنده کردم که این کلمه هم يك رد پا و يك نشانه و يك علامتی است درست عرض کردم برای اینکه اگر در این قانون ما بنویسیم که و کلای مجلس دخالت نکنند نه تنها ما و کلای مجلس شورای ملی را تبرئه نکرده ایم زیرا و کلای مجلس مگر افراد این جامعه نیستند مگر قوانین عمومی ما مثل سایه همراه آن ها نیست هر و کیلی که راه میرود قوانین هم دنبال اوست اگر جعل کرد اگر رشوه گرفت و برخلاف قانون کاری کرد بموجب قوانین عمومی قابل تعقیب است نه تنها و کیل مجلس بلکه هر کس در هر مقامی غیر از شخص شاه در حدود قانون اساسی مصون است از تعرض هیچکس دیگر نیست که مصون از تعرض باشد و حالا بنا باشد که ما انگشت بگذاریم روی این يك قسمت بقول يك کسی میگفت که ما يك سید حیدری داشتیم در مشهد این آدم مردم را لعن میکرد میگفت کبوتر باز کر که باز چه باز فلان باز وقتی که فلان باز را میگفت آوقت میگفت باستانیای پیرالدوله، لعنت این علامت است. این رد است ما وقتی که گفتیم تمام افراد این مملکت را باید تعقیب کرد آوقت بگوئیم نباید افراد دخالت کنند در این کار مخصوصاً و کلا این مخصوصاً و کلا این نشان میدهد و این رد پا است بنده در این خصوص يك تعارض منطقی دارم و همانطور که عرض کردم مون تسکیو میگوید قانون نماینده فکر جامعه است قانون ما میرود باروپا این را میخوانند و خارجی ها خواهند گفت که این همه ماده قانون

برای شما هست اما مذاکراتی که ما کردیم بجائی گفته نمیشود دفع آن سوء تفاهم نمیشود مع الوصف بنده برای اینکه بدانند مخالفتمی ندارم با پیشنهاد آقایان آن کلمه داد گستری را از آن پیشنهاد حذف فرمائید که بنوع و کلای داد گستری و بيك شغل و يك پروفسیون محترمی بر نخورد (اعتبار - اینطور نیست آقا) چرا در پیشنهاد که در کمیسیون بود اینطور بود (اعتبار - در این پیشنهاد نیست) خوب آقا پیشنهادی که بکمیسیون آمد این قید را داشت یعنی و کالت داد گستری و آوقت هم کمیسیون داد گستری بی احترامی به رای عمومی مجلس نکرد و احترام خودش را گذاشت و گفت که هر کس بموجب قراردادی هر گونه صلحی نقل و انتقالی قراردادی با عرض بی عرض بهر عنوان به بنده و به اینها ضرر بزند این باطل است جز اینکه و کیل بگیرد و در حدود تعرفه یا کار مزدی هم که اینجا نوشته است و حضرت عالی فرمودید چیست برای این است که این مردم بتوانند و کلای داد گستری مراجعه کنند چون اینجا محکمه است استدعا میکنم آقای دکتور توجه فرمائید گویا آقا تذکر دادید یا آقای اعتبار بودند راجع به کار مزد مذاکره اینطور شد که اینجا داد گاه نیست يك هیئت مخصوصی است لازم نیست در این هیئت که حتماً و کیل عدلیه با يك جریانی و کیل شود ممکن است فلان آقا برادرش را و کیل کند پدرش را و کیل کند برود آن جا شکایت کند آوقت این آدم دارایی تعرفه قانونی نیست اطلاق حق الوکاله صحیح نیست بهش میگویند کار مزد راجع به تعرفه هم نظری که در کمیسیون بود و این نظریه را آقای وزیر داد گستری اصلاح کردند همان تعرفه وزارت داد گستری است که تا چه مبلغی صدی چند تا فلان مبلغ فلان يك تعرفه بقاعده دارد و باز هم در آن آیین نامه منع کرده است که کسی در این املاک شویك نشود با مدعی و حق ندارد شریك باشد و در جای دیگر هم هست در ماده ۲۳۹ قانون مجازات عمومی هم هست هر کس از ضعف نفس و ضعف اراده اشخاص سوء استفاده کند و بدین وسیله مالی بدست بیاورد یا سندی بگیرد از شش ماه تا سه سال حبسش و

محکوم بتأدیه پانصد تا پنج هزار ریال وجه میشود این مقررات هم هست اینکه عرض کردم توجه فرمودید بسایر قوانین و مقررات قضائی و بقدری هم وضع شده است که واقعاً هیچ مملکتی در وضع قوانین غنی تر از مملکت ما نیست و اینها هم بجای خودش هست و در هر موقعی که آقای وزیر داد گستری که طرف اعتماد هستند خواستند یقه يك کسی را بگیرند بموجب این قانون دست این را میگیرند و می دهند به پار که که انگار کن عزرائیل است و تعقیب میشود در هر صورت اگر اینطور اصلاح میکنید بنده موافقم آن جور اصلاح میکنید موافقم حرف هم بقدری زده شده که دیگر هیچکدام بهم حرفی نداریم

[۹ - اعلام نتیجه انتخاب نظار بالک]

رئیس - آقایان مؤید احمدی و راقی برای نظارت اسکناس با کثرت انتخاب شده اند

[۱۰ - بقیه مذاکره در ماده ۱۹ لایحه املاک و اجاری]

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بهبهانی - بنده مخالفم

رئیس - آقای بهبهانی فرمائید

بهبهانی - اینجا يك مذاکراتی راجع به کمیسیون داد گستری شد چون بنده در آن کمیسیون عضویت دارم يك چیزهایی بنظرم رسید چون برای بعضی از آقایان اشتباه شده بود لازم دانستم در این باب دو سه کلمه عرض کنم حالا اگر اجازه میفرمائید عرض کنم (فرمائید آقا) بنده در اصل این مذاکرات نه میتوانم مخالفتی کنم و نه میتوانم موافقت کنم و نظری ندارم و البته هر چه مجلس رای بدهد آن مطاع است ولی چون گفته شد که کمیسیون نمی تواند يك چیزی که در مجلس قابل توجه باشد بکنند اولاً هیچ قانونی این مطلب را عنوان نکرده و منع قانونی هم ندارد و فلسفه اینکه هر طرحی که در مجلس قابل توجه میشود باید بکمیسیون رجوع شود همین است که کمیسیون باید درش نظر کند یا موافق میشود یا مخالف یا اصلاح میشود در هر صورت این ایراد نمیتواند از کمیسیون بگیرد همانطور که آزادی را نمیتوانید از آقایان بکشید در مجلس شورای

ملی میدهند و اکثریت را تشکیل میدهند بگیرند همانطور که اینها آزادند نظر خودشان را در مجلس شورای ملی بگویند در کمیسیون هم آزادند نظر خودشان را بگویند منتها این ممکن است تطبیق کند با آنچه در مجلس قابل توجه شده اگر باشد البته حق مخیر این است که بگوید نظر کمیسیون باین طرحی که در مجلس شد مخالف بوده است و این بهیچ جای قانون و قوانین ضرری نمیزند و در قانون هم منعی از این کار نیست و علاوه بنده نمیدانم چه فسر می کنند باین اینکه اکثریت مجلس در یک چیزی رأی به قیام و قعود میدهند یا اکثریت کمیسیون یا اینکه یک اکثریت هفتاد هشتاد نفری پیشنهادی را امضا کرده اند آنوقت یک نفر در مجلس باین پیشنهاد مخالفت میکند حالا ما بگوئیم با اکثریت مجلس مخالفت کرده است آقا کمیسیون که حق قانونی دارد در او ایچی که در مجلس مطرح میشود رأی بدهد یا رأی ندهد (صحیح است) این ممنوع نیست بنابر این بنده تصور میکنم که آقایان یک قدری بی التفاتی کردند بکمیسیون داد گستری که گفتند این حق را ندارد و علاوه بر این همانطور که آقای مخبر توضیح دادند کمیسیون اگر تکلیفی داشته باشد تکلیف او این است که حقیقت و معنای آن پیشنهاد را در نظر بگیرد و حتی المقدور از آن صرف نظر نکند اینجا توضیحاتی از طرف بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون داده شد و مخصوصاً از طرف آقای وزیر داد گستری يك توضیحاتی هم داده شد که رویهمرفته تصدیق شد که روح و معنای پیشنهاد آقایان در تبصره اول محفوظ شد و محتاج باینکه تبصره باین محواز مجلس بگذرد نباشد این بود که کمیسیون روی همین نظر رأی داد و مخبر کمیسیون هم راپرت را تهیه کرد و بنابر این که کمیسیون اعمال غرض کرده است و نه برخلاف قانون رأی داده است این را خواستم توضیح داده باشم

جمله از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - تبصره پیشنهادی قرائت میشود

این جانبان تبصره ۱ را اینطور پیشنهاد مینمائیم هر گونه نقل و انتقال صلح و هر قسم قراردادی که از تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۲۰ تا تاریخ صدور رأی نهائی دادگاهها هیئت های

رسیدگی اعم از رسمی و غیره بهر عنوان راجع باین املاک انجام شده باشد از درجه اعتبار ساقط است و هیچگونه ترتیب اثر قانونی در هیچیک از دادگاهها بآنها داده نمیشود و حق الوکاله یا کارمزد مطابق تعرفه وزارت داد گستری مشمول این قسمت نخواهد بود

طوسی - تقریباً چهل و شش امضا دارد

رئیس - آقای طهرانیچی

طهرانیچی - عرض میکنم این همان پیشنهاد است که عرض کردم تفاوتی که با لایحه دارد این است که آجاتبائی برداشته شده است اینجا صلح هم اضافه شده و یکی هم (بضرر صاحبان املاک است) آقایانیکه امضا کرده اند نظرشان این است که اگر مقید کنیم بضرر صاحبان املاک باشد این یک قدری اسباب چیز میشود این است که بنده عقیده مند هستم که هر قراردادی چون مطلق هم هست این طور باشد بهتر است

مخبر - تفاوتش سه کلمه است یکی اینکه بطور تبائی باید حذف شود یکی هم صلح را اضافه کردند و یکی بضرر صاحبان املاک را برداشته اند کلمه بطور تبائی را قبول کردیم که حذف شود صلح هم چون هر نقل و انتقالی صلح هم تویش هست آهم اشکال ندارد اما کلمه ضرر از نقطه نظر علمی باید تویش باشد چرا برای اینکه فرض کنیم صلح و نقل و انتقال را بهر عنوان در مورد این املاک باطل بدانند ملاحظه بفرمائید که يك کسی در شهر تهران شسته است و این کار را میکنند ممکن است که يك کسی در محل خودش این کار را بکند صلح بجاتبائی بنفع صغیر جایز است يك مردی سه پسر دارد يك پسرش در زمان حیات پدرش می میرد يك پسر از این پسری که مرده است باقی مانده این پسر ارث نمیرد فقط يك قاعده در قانون فرانسه هست بنام قاعده فیکسیون که بورته آن پسر هم يك چیزی میدهند يك سهم فیک تیف فرض می کنند و میدهند ولی در قانون اسلام نیست حالا چه میدهد پدر بزرگ سمت ولایت دارد بقاعده ولایت باید حق او را حفظ کند حالا این

پدر در آن ایام که ما میخواهیم تکلیف معین کنیم در شرف موت بوده می خواهد يك صلح بجاتبائی بنفع اولاد آن پسرش کند (اعتبار - مانعی ندارد) آخر آقا شما نوشته اید صلح و کلمه بی ضرر را هم برداشته اند اگر بضرر است باطل است اما اگر بنحو مطلق که قرار نمود و چنین صحبتی بود گفتیم که کسی باین ها سازد کلاه اینها را بردارد باین توضیحاتی که در مجلس داده شد و خود این توضیحات بمنزله تفسیر قانون است در این تفسیر حکایت کرد که مقصود مان صلح و انتقالی است که بخواهند کلاه این مردم را بردارند و حق بمن له الحق برسد این مقصود است و چیز دیگری نیست ولی بن مردم يك نقل و انتقالی بین پدر و مادر و برادر و خواهر و خاله ودائی میشود چون این کلمه بضرر را بر میدارید این نتیجه بنفع هم برداشته میشود عنوان اطلاق بخودش اطلاق میگیرد و این صلاح مانیست باین جهت بنده با آن کلمه بضرر مخالف هستم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنظر بنده این اشکال آقای نقابت وارد نیست بدلیل اینکه برادر پدر یا مادر یکمده نقل و انتقال یا گذشت هائی بهم کرده اند و روی رضایت واقعی هست این نوی محکمه نمی رود ما اینجا نظرمان این است که اگر نقل و انتقال هئی در حین تصویب قانون شده باشد در حین اجرای قانون شده باشد اینها بقوت خودش باقی نمی تواند بماند و الا موضوع انتقال پدر به پسر و یا برادر به برادر این را ما اینطور نمی توانیم بگوئیم صاحب ملک است تا وقتی که آن رأی نهائی داده شود و قتی که بناو داده شد البته هر کاری که میخواهد بکند ما گفتیم قبل از اینکه حکم صادر شده باشد این حق را نداشته زیرا این طرز معاملات غالباً يك اسبابی پیدا کرده است و با وعده کمک و مساعدتهائی داده شده و طرف مجبور شده این بود که ما گفتیم که بطور اعم و بطور کلی باطل است ولی این قسمت برادر و خواهر که فرمودند بجای خودش محفوظ

است بنده اگر به پسر صلحی کرده باشم و اگر عمل غیر قانونی واقع شده باشد که بمحکمه میروم اگر بمحکمه رفته و گفتم آنوقت محکمه بیاید بپذیرد باین جهت بنظر بنده این اشکال وارد نیست

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده گمان میکنم آقای نقابت در يك موضوع اشتباه کردند این املاک مال دولت است هیچکس نمی تواند نقل و انتقال بکند و ممکن نیست معامله بکند سند رسمی اینها الان به اسم شاه سابق است و دولت وقتی میتواند نقل و انتقال پیدا بکند که حکم نهائی صادر شود و سند باسم او صادر شود

جمله از نمایندگان - رأی

وزیر داد گستری - بنده عبارت که بضرر اشخاص را گذاشتیم در آنجا هم توضیح دادم که این بنفع آنها است و منطبق هم دارد و آقای نقابت هم گفتند و مقصود هم این است که جلوگیری شود و بضرر اشخاص يك نقل و انتقال و قرارداد هائی واقع نشود ولی مواد دیگر اینطور نیست اگر بنفع صاحب ملک یا صاحب حق يك قراردادی بشود اشکالی نباید داشته باشد بنظر بنده اقتضا اینطور دارد که عبارت بضرر صاحب حق باشد و حالا که بنده می بینم اختلاف نظر است دو تا میکنیم پیشنهاد را یکی با عبارت بضرر و یکی بدون عبارت و رأی میگیریم

اعتبار - اینطور میشود آقا پیشنهادی شده است و مجلس رأی میدهد و تکلیفش معلوم میشود

رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایانیکه باین پیشنهاد موافقت دارند بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. [۱۱ - موقع و دستور جلسه آتی - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب فرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز یکشنبه دستور بقیه شور همین لایحه

(مجلس یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد) **رئیس مجلس شورای ملی -** حسن اسفندیاری